



چگونه با نقاشی‌های کودکان روبه‌رو شویم؟

نقاشی برای کودکان نوعی بیان لذت‌بخش است که به آن‌ها کمک می‌کند خودشان را به دیگران معرفی کنند. در واقع، این یکی از بهترین راه‌ها برای رشد خلاقیت‌ها و اعتماد به نفس آن‌هاست. نقاشی یکی از فعالیت‌های پیچیده‌ی کودکان است که تا اندازه‌ای ادراکات و احساسات آنان را به تصویر می‌کشد. از دیدگاه پیاژه، نقاشی چیزی در حد فاصل بازی و تصویر ذهنی است که کودک به واسطه‌ی آن دنیای واقعی خود را باز می‌نماید. کودک همه‌ی مسائل زندگی خود را به واسطه‌ی نقاشی به تجربه درمی‌آورد. خطوط ترسیمی، انعکاسی از دنیای هیجانی او هستند و نقاشی به تنهایی به منزله‌ی جهانی است که به موازات افزایش هشیاری و دگرگونی‌های کودک، متحول می‌شود. گاهی برخی از مربیان و والدین با ارزشیابی‌های نادرست و مقایسه‌ی آثار کودکان با هم‌کلاسی‌هایشان، اعتماد به نفس را در آن‌ها می‌کشند یا آنان را به تقلید از یکدیگر وامی‌دارند. حتی دیده‌ام مادرانی فرزندشان را بی‌استعداد یا نابغه خطاب می‌کنند! این نوع برخوردها با آثار کودکان، نه تنها هیچ کمکی به آن‌ها نمی‌کند، بلکه باعث سرخوردگی یا اعتماد به نفس کاذب در آن‌ها می‌شوند.

بتواند در کلاس خودی نشان دهد. گاهی کودک سعی می‌کند خودش راه چاره‌ای پیدا کند. اینجاست که پدیده‌ی تقلید از دیگران، جای خلاقیت و نوآوری را می‌گیرد. البته باید گفت در بعضی موارد و تا حد کمی، تقلید به شرطی که راه چاره نباشد، می‌تواند نوعی یادگیری و رسیدن به شکلی جدید برای لذت بردن از نقاشی باشد و در کودکان نوعی تعامل و هم‌فکری ایجاد کند، اما بهتر است زیاد تکرار نشود.

کودکان ۹ تا ۱۲ ساله

کودکان از سن ۹ سالگی به بعد، کم‌کم زبان‌های دیگری برای بروز احساساتشان پیدا می‌کنند و ذره ذره خودشان و توانایی‌هایشان را در می‌یابند. همین احساس باعث می‌شود درک کنند بعضی آدم‌ها در نقاشی و برخی در بقیه‌ی امور مثل ورزش، موسیقی، انشا و ریاضیات توانایی دارند. در سال‌های پایانی دوره‌ی دبستان، کودکان کم‌کم به یادگیری طراحی و نقاشی و پرداختن به تکنیک‌ها

سنین مهارت کافی داشته باشد، کودک به راحتی مسیر طبیعی خود را ادامه می‌دهد. اما اگر آموزگار با بی‌میلی و بی‌اعتنایی به اثر کودک نگاه کند یا نقاشی هم‌کلاسی او را بالا ببرد و به عنوان اثر برتر به همه نشان بدهد، یا بدتر از این‌ها در حضور همه، از نقاشی او ایراد بگیرد، یا از سر خیرخواهی تصویری را روی تخته‌ی کلاس بکشد و از دانش‌آموزان بخواهد آن را عیناً بکشند، باعث دلزدگی کودک می‌شود، زیرا او ذاتاً یک هنرمند است، با اعتماد به نفس کافی و درست مثل یک هنرمند بزرگ خود را باور دارد. در این زمان است که کودک خودش را در میانه‌ی راه گم می‌کند. دنیای قشنگی که تا آن روز برای خود ساخته است، بر سرش آوار می‌شود! تا آن روز، نقاشی برای او سرزمین آرامش بود و حالا او در آن سرزمین گم شده است. از همین زمان است که کودک در منزل موقع نقاشی بهانه‌گیری می‌کند و مدام از دیگران می‌خواهد به او کمک کنند یا به جای او نقاشی بکشند تا

چگونه با آثار کودکان برخورد کنیم؟

همه می‌دانیم که نقاشی کودکان نوعی بیان صادقانه است. آن‌ها نقاشی نمی‌کنند، که امتیاز بگیرند یا خود را به عنوان نقاش معرفی کنند، بلکه این کار را صرفاً برای بیانی لذت‌بخش انتخاب می‌کنند و در عین حال دوست دارند دیگران را هم غافلگیر کنند. بنابراین، عکس‌العمل ما برایشان اهمیت دارد. خوب است به کار آن‌ها به چشم یک اثر هنری نگاه نکنیم، بلکه مثل آن‌ها از دیدنش لذت ببریم، به بیان آن‌ها احترام بگذاریم، آن‌ها را برای ادامه‌ی کار تشویق کنیم و در جمع، به همه‌ی آن‌ها به طور یکسان توجه نشان بدهیم.

کودکان ۷ تا ۹ ساله

کودکان هفت ساله که تازه وارد دبستان شده‌اند، خود را از کودکان پایه‌های بالاتر بیشتر باور دارند، زیرا هنوز جو و قوانین مدرسه روی آن‌ها تأثیر نگذاشته است. اگر آموزگار در زمینه‌ی آموزش نقاشی این

ارزشیابی اثر دانش‌آموز

به واقع، هنر یعنی بروز احساس با بیانی دلنشین، همراه با خلاقیت. اما اگر به چشم یک درس به آن نگاه کنیم، نکاتی را می‌توان به عنوان ارزش در نظر گرفت:

۱. نظم و تلاش در یادگیری روش‌های جدید طراحی، هر چند ساده و کودکانه،
۲. ایجاد اثر هنری خلاق و زیبا.

تفکیک این دو ارزش به این دلیل است که همه‌ی دانش‌آموزان به‌طور یکسان و طبیعی خلاق و مستعد نیستند، اما همه می‌توانند به یک میزان تلاشگر و منظم باشند. پس نمره‌ی تلاش باعث می‌شود، دانش‌آموزانی که چندان مستعد نیستند، در گرفتن نتیجه‌ی عالی از بقیه عقب نمانند. نباید فراموش کرد که این دانش‌آموزان، همان هنرمندان بالقوه‌ای هستند که خردسالی را پشت سر گذاشته‌اند و حالا کم‌کم با توانایی‌های خود آشنا شده‌اند. هرگز این دسته‌بندی را در حضورشان مطرح نکنید، چرا که ممکن است کسی در مقطعی از زمان آفریننده نباشد، اما زمانی دیگر این اتفاق در او رخ دهد. پس با تعیین اینکه تو مستعدی یا نیستی، راه را بر او نبندیم و اجازه دهیم نقاش کوچک درونش زنده بماند. از این رو، گاهی از او بخواهیم فارغ از سن و شرایطش، احساسات ذهنی و درونی‌اش را آزادانه نقاشی (نقاشی آزاد) کند و از آن لذت ببرد، بدون آنکه نظر یا ارزشیابی در کار باشد.

در پایان، پس از سال‌ها کار در این زمینه، به این نتیجه رسیده‌ام که قرار نیست همه‌ی دانش‌آموزان کلاس هنرمند شوند، اما قرار است همه‌ی آن‌ها از درس هنر لذت ببرند و در آینده خاطره‌ی شیرینی از کلاس هنر در ذهنشان به یادگار بماند. ■



راهنمایی و یاری کرد تا بتواند در عین لذت بردن از هنرمندی‌اش، همچنان خود را باور داشته باشد و برای انجام و نمایش اثرش تلاش و ذوق به خرج دهد. این میسر نمی‌شود، مگر با تشویق و توجه نشان دادن به اثر او. در این مرحله، کودک دوست دارد از مربی‌اش بیشتر یاد بگیرد و مربی بهتر است نظراتش را به او پیشنهاد دهد، نه اینکه تحمیل کند! در این صورت، مسیر خلاقیت او همچنان باز خواهد بود.

علاقه‌مند می‌شوند و دوست دارند در دنیای بزرگ‌ترها جایی برای خود پیدا کنند. از این رو، کم‌کم با تقلید از هنرمندان دور و برشان، تلاش می‌کنند طراحی کنند و آن را سایه روشن بزنند. در این زمان نیز یکی دیگر از سردرگمی‌ها اتفاق می‌افتد و نقش مربی و پدر و مادر مهم می‌شود. از یک طرف هنر یک درس است و باید ارزشیابی شود و از طرف دیگر این درس با بقیه‌ی درس‌ها فرق دارد، چون دنیایی متفاوت دارد. بنابراین، خوب است کودک را در این مسیر